

مبادله‌ی نمک با طلا*

آلن. آ بوید و جان نیکرسون

ترجمه علی بحرانی‌پور

نخستین بار بیش از ده قرن پیش، کاروان‌های شتر به آرامی از صحرای وسیع آفریقا گذشتند؛ افق شکننده [ی صحرا و تپه ماهورهای آن] در زیر آسمان درخشان بیابان انحنا می‌یافت. کاروان‌ها به آهستگی و سنگینی از میان طوفان شن‌های کورکننده و خورشید سوزان صحرا رفت و آمد می‌کردند. مسافرت آنان گاهی اوقات هفته‌ها به طول می‌انجامید و در به‌ترین حالت هم با انواع خطرات همراه بود. در آن روزگار، سفرهای دور و دراز در آفریقا ممکن نبود و عبور از این بیابان‌ها، که از نظر مسافران ویژگی ذاتی سفر در آفریقا محسوب می‌شد، کاری تهور آمیز به شمار می‌رفت.

اولین مردمی که به چنین سفرهایی دست زدند، اعراب شمال آفریقا بودند. آنان عازم سودان غربی^۱ بودند که سرزمینی سرسبز بود و در امتداد کرانه‌های جنوب غربی صحرا تا جنگل‌های پرباران در امتداد خلیج گینه گستردگی داشت. چه چیز این مسافران را به سودان غربی کشانده بود؟ پاسخ طلا است. مسافران (بازرگانان) مزبور از آن پس بخش‌هایی از ناحیه‌ی سودان غربی را به مراکز تجاری تبدیل کردند. در آن جا زمین‌های اساسی برای تجارت به اندازه‌ی کافی وجود داشت؛ زیرا، اگرچه کشاورزان سودان غربی قادر به تأمین مواد غذایی مورد نیاز مردم محلی بودند، اما خاک آن جا یکی از اقلام اصلی آداب غذایی آنان یعنی نمک را در برنداشت. بنابراین مردمان سودان غربی می‌بایست نمک مورد نیاز خود را از جایی دیگر تأمین

*Allen R. Boyd and John Nickerson, *Turning Gold to Salt: Tropical and Southern Africa*, New York, Scholastic Book Services, 1973, p. 62-67.

می‌کردند. و این جای دیگر همان معادن نمکی بود که در نزدیکی مراکش و الجزایر کنونی قرار دارد.

بازرگانان عرب می‌توانستند نمک را برای مردم سودان غربی تهیه کنند. اما این مردم کشاورز چه چیزی را در اختیار داشتند تا در ازای نمک به بازرگانان بپردازند؟ در پاسخ می‌توان گفت براساس آن چه که به واقعیت پیوست، ساکنان سودان غربی بر تجارت طلا نظارت داشتند. محققین درباره‌ی موقعیت جغرافیایی این معادن طلا اتفاق نظر ندارند، اما به‌ترین گمان آن است که ظاهراً این معادن در جایی میان رودخانه‌ی سنگال و رود نیجر قرار داشتند، در هر حال مردم سودان غربی آن چنان معادن طلایی در اختیار داشتند که بسیار بیش‌تر از مقدار مورد نیاز می‌توانست نمک آن‌ها را تأمین کند.

با گذشت قرن‌ها، فعالیت در زمینه‌ی تجارت طلا و نمک بازرگانان عرب را توانگر ساخت. اما این داد و ستد تأثیر بسیار مهم‌تری نیز بر زندگی مردمان گوناگون منطقه‌ی سودان غربی بر جای گذاشت. به طوری که در فاصله‌ی سده‌های ۷۰۰ تا ۱۷۰۰ موجب ظهور سه تمدن بزرگ در سودان غربی شد که عبارتند از: غنا (Ghana)، مالی (Mali) و سونگای (Songhay). تجارت مذکور این دولت‌ها را قادر ساخت تا به دستاوردهای تمدنی برجسته‌ای هم‌تراز با تمدن بسیاری از دولت‌های اروپایی آن روزگار دست یابند.

قدیمی‌ترین امپراتوری از میان سه قدرت مزبور که به امپراتوری‌های «نمک - طلا» مشهوراند، امپراتوری غنا بود. برخی مورخین ریشه‌های این تمدن را در قرن چهارم میلادی جست و جو کرده‌اند، اما تا پیش از سال ۷۰۰ برای مردمان سیاه پوستی که سونیک (Soninkes) نامیده می‌شدند، سلطه بر سرزمین غنا حاصل نشد. از زمانی که آنان زمام امور را در آن جا به دست گرفتند، شکوه واقعی تمدن غنا نیز آغاز شد.

سونینک‌ها، گروه نژادی یا قومی واحدی نبودند، بل تعدادی مردم خویشاوند بودند که همگی به زبانی به نام مند (Mande) سخن می‌گفتند. آنان خیلی زود به عنوان جنگجویانی دلاور شهرت یافتند و در نبرد با دشمنان این برتری را داشتند که به عنوان نخستین مردم منطقه‌ی سودان غربی اسلحه‌هایی از جنس آهن به کار می‌بردند. سونینک‌ها با استفاده از چنین مزیتی طی بیش از چندین قرن مرزهای امپراتوری خود را به هر سو؛ از رود نیجر در جنوب گرفته تا قلب صحرای آفریقا در شمال، گسترش دادند.

غنایی‌ها ضمن توسعه طلبی ارضی در زمینه‌های دیگر نیز به پیشرفت‌هایی دست یافتند؛ به ویژه که آنان کومبای (Combai)، پایتخت خود را به چنان مرکز تجاری ای مبدل کردند که داد و ستد را از هر سو به خود جلب می‌کرد. گندم از شمال، دام‌هایی چون گوسفند و نیز عسل از جنوب، و همچنین حجم وسیعی از سرمایه در قالب کالاهایی نظیر کشمش و چرمینه از نقاط بسیاری به آن جا صادر می‌شد.

اما بی‌گمان، ارزشمندترین منبع ثروت غناییان معادن طلا بود. آنان به سختی می‌کوشیدند تا انحصار آن را در دست خود نگاه دارند. تا آن جا که هیچ‌کس، جز پادشاه، اجازه‌ی مالکیت بر شمش‌های طلا را نداشت. غناییان می‌پنداشتند که با عرضه‌ی اندک شمش‌های طلا می‌توانند بهای طلا را در سطح بالایی نگه دارند. در حالی که پادشاه آزاد بود که طلای خود را به هر صورتی که مایل بود، به کار برد و او نیز آشکارا چنین می‌کرد. طبق روایتی، وی حتی قلاده‌هایی طلایی بر گردن سگان شکاری خود می‌آویخت. چنین تظاهری به ثروتمندی، شگفتی بازرگانان غنا را هم برمی‌انگیخت. همچنان که تجارت رشد می‌یافت، بازرگانان غنا توانگرتر می‌شدند و دولت غنا نیز تا دهه‌ی ۱۰۶۰ ثروت و قدرتی رو به رشد داشت. اما از آن پس هجوم مسلمانان از سمت شمال، ضربه‌ای بر امپراتوری غنا وارد آورد که آن را از هم پاشانید. از خاکستر امپراتوری غنا پایه‌های امپراتوری دیگری پدیدار شد. نام این دومین امپراتوری نمک - طلا، «امپراتوری مالی» بود که مردمی به نام ماندینگوها (Mandingoes) بر آن حکمرانی داشتند. ماندینگوها از خویشاوندان دور سونینک‌ها بودند و با زبانی شبیه به زبان «مند» تکلم می‌کردند. پیش از این و در قرن یازدهم میلادی، این دو گروه دو مذهب متفاوت برگزیدند؛ در حالی که سونینک‌ها بت‌پرست ماندند، ماندینگوها به اسلام گرویدند. ماندینگوها همانند سونینک‌ها جنگجویان بزرگی بودند. آن‌ها از طریق یک سلسله نبردهایی که نقطه‌ی اوج آن‌ها فتح کومبای در ۱۲۴۰ بود، امپراتوری خود را وسعت بخشیدند. از آن پس آنان به عنوان جایگزینی برای سونینک‌ها، نظارت بر تجارت نمک و طلا را بر عهده گرفتند و سپس آن تجارت را به شهرهای خود، به ویژه شهر تیمبوکتو (Timbuktu) منتقل کردند. شهر تیمبوکتو در منطقه‌ای بنا شده بود که رودخانه‌ی نیجر از آن جا به سمت جنوب، به سوی دریا، متمایل می‌شد. در زمان ماندینگوها، شهر تیمبوکتو شاهراه اصلی تجارت شد و با گذشت زمان به صورت یکی از مراکز علمی مسلمانان درآمد. شهر تیمبوکتو در زمان حکومت یکی از «منسی»‌ها (Mansa) (لقبی معادل سلطان) به

نام موسی به اوج قدرت رسید. او تا سال ۱۳۳۲ حکومت کرد. مشهورترین دستاورد وی سفر حجی بود که از تیمبوکتو به شهر مقدس اسلامی مکه، در شبه‌جزیره‌ی عربستان، انجام داد. منسی موسی طی سفر هزار مایلی [دو هزار کیلومتری] خود، ظاهراً کاروانی را به راه انداخت که موجب غوغایی در آن صحرای متروک شد. براساس تخمین‌هایی، تعداد همراهان وی به رقم نجومی ۶۰ هزار تن می‌رسیده است. گفته‌اند که وی برای حفظ شکوه و جلال این مسافرت دسته جمعی، بیش از ۲۰ هزار پوند [۱۰ تن] خاک طلا با خود به همراه برد و در هر منزل سخاوتمندانه اقدام به بذل و بخشش آن می‌کرد، به طوری که در هنگام بازگشت به سوی وطن، چندان طلا خرج کرده بود که برای اتمام سفر خود ناگزیر به أخذ یک وام شد. حکایت سخاوت منسی موسی در آن زمان در سراسر شرق میانه منتشر شد و سبب شد که شهر تیمبوکتو به عنوان ثروتمندترین شهر جهان قلمداد شود. مدتی پس از درگذشت منسی موسی در سال ۱۳۳۲، شهر تیمبوکتو به تصرف گروهی از جنگجویان جنوبی درآمد. از آن پس تمدن مالی رو به سقوط رفت. تقریباً در همان زمان ظهور امپراتوری سوم نمک-طلا آغازیدن گرفت: این امپراتوری به نام مردمی که بر آن حکومت می‌کردند، یعنی سونگامی‌ها، مشهور شد. هرچند اصل و نسب سونگامی‌ها ناشناخته مانده است، اما می‌دانیم که آنان از دیرباز در کرانه‌های رود نیجر به ماهیگیری و کشاورزی مشغول بودند و در طول قرن چهارده میلادی از رعایای امپراتوری مالی به شمار می‌رفتند. آن‌ها در اواسط قرن بعد به پا خاستند، اربابان سابق خود را برانداختند و تجارت نمک - طلا را در اختیار گرفتند.

در زمان سونگامی‌ها دوباره مرزهای امپراتوری گسترش یافت و در پایان دولت سونگامی محدوده‌ای به اندازه‌ی اروپا را در برمی‌گرفت. سونگامی‌ها برای اداره‌ی امپراتوری گسترده‌ی خود ارتشی نیرومند داشتند. همچنین پژوهشگران بر این باورند که آنان دولت مرکزی سازمان یافته‌ای پدید آورده بودند. بزرگ‌ترین امپراتور این دولت ازکیا محمد (Askia Mohammad) بود که در سال ۱۴۹۳ به تخت نشست. این امپراتور مسلمان و مؤمن تیمبوکتو را، نسبت به زمان ماندینگوهای دولت مالی، به مرکز بزرگ‌تری برای ترویج فرهنگ اسلامی مبدل کرد. وی همچنین سفری به مکه انجام داد که سفر حج پرشکوه منسی موسی در حدود دو قرن پیش از این را تحت‌الشعاع خود درآورد. ازکیا محمد مردم سودان غربی را به پرشکوه‌ترین نقطه‌ی دوران تاریخ خود رساند. اما یک بار دیگر، امپراتوری منطقه‌ی سودان غربی رو به زوال گذاشت.

ضربه‌ی نهایی بر امپراتوری سونگامی در سال ۱۵۹۱ و از سوی مورهای مراکش (Moora of Morocco)، که پیوسته توپ‌های جنگی با خود به همراه داشتند، وارد شد. این طوایف به قلمرو سونگامی‌ها حمله آوردند و ارتش آن‌ها را شکست دادند. از آن پس مردم سودان غربی تا قرن‌ها به‌عنوان مردمی تقریباً فراموش شده به حیات خود ادامه دادند. شهر تیمبوکتو نیز به گذرگاهی منزوی و دورافتاده تبدیل شد. تنها در سال‌های اخیر است که مورخین دستاوردهای تمدن‌های غنا، مالی و سونگامی را مورد توجه و تجلیل قرار داده‌اند. ذکر دستاوردهای تمدنی آفریقای غربی در کتاب‌های درسی [اروپا] تأییدی است بر این مطلب که در آفریقای غربی، بسیار پیش‌تر از برپایی تمدن‌های اروپایی امروز، حیات مدنی درخشانی وجود داشته است.

یادداشت‌ها

۱. سودان غربی: کشور فعلی سودان که در شرق آفریقا و در مجاورت سواحل دریای سرخ قرار دارد. اما در این نوشته هر جا سخن از «سودان غربی» بیاید، منظور کشورهای امروزی موریتانی، سنگال، مالی، و بخشی‌هایی از گینه و نیجر است. (م.)

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی